



ناتوانی و کار (حرفه آموزی برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم)

پدیدآورده (ها) : صمدی، سید علی

علوم تربیتی :: تعلیم و تربیت استثنائی :: اسفند 1389 - شماره 106 (علمی-ترویجی)

از 27 تا 33

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/974358>

دانلود شده توسط : عمومی user2314

تاریخ دانلود : 19/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ناتوانی و کار (حرفه آموزی برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم)

سید علی صمدی / دکترای اختلالات رشدی با تاکید بر اتیسم

چکیده

آمارهای موجود نشان دهنده افزایش تعداد افراد دارای اختلالات طیف اتیسم در جوامع مختلف است. بررسی های موجود نشان دهنده انباشت اطلاعات و بررسی ها در مورد افراد کم سن دارای اختلالات طیف اتیسم است، اطلاعات اندکی در مورد بزرگسالان دارای این دسته از اختلالات موجود است. پژوهش های مختلفی در حیطه نیازهای افراد قرار گرفته در این دسته از اختلالات، در مراحل مختلف رشدی از جمله بزرگسالی مورد نیاز است. از جمله نیازهای بزرگسالان می توان به یافتن شغل و نگهداری آن اشاره کرد. مقاله حاضر سعی دارد تا با استفاده از بررسی های پیشین، پیشنهاداتی برای آموزش حرفه ای و اشتغال پس از آن را برای افراد قرار گرفته در این طیف ارائه دهد. اشتغال حمایتی به عنوان نمونه ای از راه های ممکن برای آموزش حرفه ای این گروه از افراد مورد بررسی دقیق قرار گرفته شده است. در نهایت مجموعه ای از حرفه های مناسب برای این گروه از افراد براساس توانمندی های آنان پیشنهاد شده است.

کلید واژه ها: بزرگسالان دارای اختلالات طیف اتیسم، حرفه آموزی، اشتغال حمایتی

مقدمه

افراد قرار گرفته در اختلالات طیف اتیسم - شامل اتیسم، آسپرگر، اختلال نافذ رشد تشخیص نیافته^۱ و چندین اختلال دیگر، در حیطه های مربوط به برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی کم توان هستند. این افراد در برقراری ارتباط دوجانبه به شیوه معمول مشکل دارند. ویژگی های دیگری که در این افراد دیده می شود، مشکلات رفتاری و مجموعه ای از مشکلات حسی هستند. فعالیت ها و حرکت های فعالان اجتماعی در ارتباط با افراد دارای ناتوانی های مختلف از جمله افراد قرار گرفته در طیف اتیسم، معطوف به کسب حقوق مختلف اجتماعی از جمله حق کار و فعالیت های شغلی برای این گروه از افراد بوده است. در جوامع امروزی داشتن یک شغل علامتی مشخص از وجود حقوق مساوی برای افراد یک جامعه محسوب می شود. حضور فرد در وضعیت های مختلف حرفه ای چه به شکل تمام وقت، نیمه وقت و یا داوطلبانه و افتخاری، نشانی از وجود دیدگاهی یکسان نگر در جامعه است. لازم است که تذکر داده شود که اشتغال افراد مبتلا به ناتوانی های گوناگون در طول دوران همواره با موانع

مختلفی همراه بوده است، حتی افراد سالمی که در ضمن کار دچار آسیب و مصدومیت می شدند، نیز معمولاً ضربه ناشی از، از دست دادن کار و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی پیامد آن را تجربه می کردند. امروزه نیز افراد مبتلا با ناتوانی های گوناگون، برای یافتن حرفه های مناسب دچار مشکلات فراوانی هستند. این مشکل در کشورهایی که دارای قوانین پیشرفته ای در زمینه حمایت از حقوق اجتماعی شهروندان هستند، نیز به چشم می خورد (سازمان جهانی کار^۲، ۲۰۰۰) البته باید اذعان نمود که سطح آگاهی نسبت به حقوق و نیازهای کارگران مبتلا به ناتوانی های متفاوت، افزایش یافته است و در حال حاضر در اکثر کارگاه های حرفه ای مفهومی مانند مدیریت ناتوانی^۳ به عنوان موضوعی جدید مطرح شده است (پری^۴، ۱۹۹۸) و قوانین مشخصی در ارتباط با جبران آسیب های ناشی از کار و حمایت از درآمد افراد آسیب دیده در کشورهای صنعتی وجود دارد. این قوانین به عنوان پایه ای برای ارتقا سطح اشتغال افراد مبتلا به ناتوانی های مختلف، از جمله افراد قرار گرفته در طیف اختلالات اتیسم، در نظر گرفته شده اند. همزمان با این

جایگزینی اجتماعی این افراد منتهی شود. در نظر سنجی انجام شده توسط برنات و دیگران (۲۰۰۰) بر روی بیش از ۱۰۰۰ خانواده دارای فرزند با اختلالات طیف اتیسم، مشخص شد که تعداد زیادی از بزرگسالان دارای این دسته از اختلالات خواهان کسب شغلی با درآمد مشخص هستند، اما تعداد بسیار اندکی از آنان در حال حاضر به آرزوی خود رسیده اند و دارای شغلی با درآمد مکفی هستند.

در هر حال با توجه به اطلاعات و بررسی‌های بسیار محدود موجود در کشوری مانند انگلستان مشخص شده است که تعداد افراد شاغل در زمینه شغل‌های دارای درآمد، برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم بسیار اندک است. در یک بررسی انجام شده (هولین و دیگران، ۲۰۰۴) تنها ۶۸ نفر از افراد مورد بررسی دارای شغلی با درآمد مکفی دارای ویژگی‌های مشخص شده برای افراد قرار گرفته در طیف اختلالات اتیسم بودند. این بررسی به شکل طولی انجام شد و این افراد نخست در بدو آموزش و با میانگین سنی ۷ سال (گستره سنی بین ۳ تا ۱۵ سال) و در مرحله بعد در میانگین سنی ۲۹ سال و پس از اتمام مراحل آموزش (گستره سنی ۲۱ تا ۴۸ سال) مورد بررسی قرار گرفته شدند. یافته‌ها نشان دادند که:

از میان این تعداد از افراد، هشت نفر (۱۲ درصد) به صورت مستقل کار می‌کردند و یک مرد نیز در زمینه چاپ پارچه به شکل خوداشتغالی فعالیت می‌کرد، اما این فعالیت، کفاف هزینه‌های زندگی او را نمی‌داد. اغلب شغل‌ها موجود در مقایسه با سطح توانمندی فرد دارای اختلال، در سطح پایینی قرار داشتند و چند مورد از آنان نیز توسط والدین و ارتباطاتی که با مراکز حرفه‌ای داشتند و از طریق توصیه و رابطه بدست آمده بودند، نه به شکل رقابت در بازار کار. در اغلب موارد نیز سطح درآمد حاصل از انجام فعالیت بسیار پایین بود و در اصل حرفه تنها برای فرد جنبه سرگرم کننده داشت. چهارده نفر (۲۱ درصد) به شکل

قوانین افراد مبتلا به ناتوانی‌های گوناگون نیز سازمان یافته‌اند و در حال حاضر خواهان حقوق خویش در تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، از جمله نیروی کار هستند.

بدون تردید توصیه شماره ۹۹ ژوئن سال ۱۹۵۵ کنفرانس بین‌المللی کار که در ژنو و در زمینه توان‌بخشی حرفه‌ای صادر شد، نقطه تحولی در اقدامات بین‌المللی در این زمینه بود. این سند علاوه بر فعالیت بین‌المللی در سطح کشورهای عضو، حرکت تازه‌ای را نیز از نظر توان‌بخشی حرفه‌ای ایجاد کرد. بررسی‌ها نشان داده است که بطور متوسط برای اداره یک فرد ناتوان، باید ۱/۵ نفر ارایه خدمت کند. با تقلیل وابستگی افراد دارای ناتوانی‌های مختلف از طریق توان‌بخشی حرفه‌ای، می‌توان از فشار آنها بر سایر افراد خانواده کم کرد. از این نظر است که توان‌بخشی حرفه‌ای دارای نتایج و فواید انسانی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای فرد دارای ناتوانی و افراد حمایت‌کننده از آنان (خانواده‌ها و مراکز نگهداری) باشد.

بررسی ادبیات موجود

بیشتر اطلاعات حال حاضر در مورد افراد دارای اتیسم در مورد کودکان است و دانسته‌ها در مورد بزرگسالان بسیار اندک بوده و برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد شیوه‌های زندگی و ترجیحات افراد دارای اتیسم در بزرگسالی، نیازمند انجام بررسی‌های متعددی هستیم. به دلیل تازه بودن موضوع اتیسم در اغلب جوامع امروزی مطالعات طولی به منظور بررسی نیازمندی‌ها و ویژگی‌های زندگی افراد دارای اتیسم در مراحل مختلف هنوز به تعداد کافی انجام نشده‌اند.

یافتن شغلی برای افراد مبتلا به اختلالات طیف اتیسم و نگهداری آن شغل امری دشوار و در اغلب جوامع ناممکن است. در اغلب جوامع این افراد درون خانه‌ها نگهداشته شده و یا در مراکز و موسسه‌های ویژه نگهداری می‌شوند. هیچ یک از این دو شیوه نگهداری نمی‌تواند به

چشمگیری در میزان درآمد آنان وجود داشت. هیچیک از دو نوع بهره‌هوشی (بهره‌هوشی عملی و بهره‌هوشی کلامی) نمایانگر مناسبی برای افزایش میزان درآمد افراد شاغل نبودند. پژوهشگران در انتهای این بررسی، نتیجه گرفتند که «هر چند در خلال چند سال گذشته میزان درآمد و حقوق افراد دارای اتیسم افزایش یافته است، اما هنوز اکثریت افراد دارای این دسته از اختلالات به شکل گسترده‌ای وابسته به حمایت دیگران هستند».

پیشنادهای برای افزایش فعالیت‌های شغلی در گروه افراد قرار گرفته در طیف اختلالات اتیسم

به منظور گسترش پوشش فعالیت‌های حرفه‌ای و شغل-یابی برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم چهار راهکار پیشنهاد می‌شود:

۱. توجه به مهارت‌های اجتماعی: مراکز پیش‌حرفه و آموزش حرفه‌ای که پذیرای دانش‌آموزان دارای اختلالات طیف اتیسم هستند، باید تشویق شوند تا توجه بیشتری به نیازهای ارتباطی و اجتماعی افراد دارای اتیسم و اسپرگر داشته باشند. راهبردهای پیشنهاد شده پیشین نیز در این بخش، کاربردی مجدد خواهند داشت.

۲. توجه به مهارت‌های ارتباطی: مهارت‌های ارتباطی افراد دارای اختلال باید با توجه به بخش‌های ارتباطی حرفه‌های انتخاب شده برای آموزش مورد توجه قرار گرفته شوند.

۳. آموزش کارفرمایان: کارفرمایان نیز باید آموزش‌ها و اطلاعات لازم برای آشنایی بیشتر با افراد دارای اختلالات طیف اتیسم را بدست آورند. با استفاده از این آموزش‌ها آنان نیازهای کارمندان و یا کارگران دارای اختلالات طیف اتیسم خود را خواهند شناخت و با استفاده از این اطلاعات سازگاری بیشتری در محیط حرفه‌ای از خود نشان خواهند داد و محیط هماهنگ‌تری را با نیازهای این افراد ایجاد خواهند کرد.

حمایتی و با نظارت، در کارگاه‌های حمایت شده و یا به شکل داوطلبانه کار می‌کردند. دو نفر در فعالیت‌های اقتصادی والدین و اعضای خانواده خود، مشغول بودند و یک نفر در مغازه‌ای که توسط مرکز نگهداری راه‌اندازی شده بود، به امر فروش اشتغال داشت. پنج نفر در فعالیت‌های حرفه‌ای موجود در محل نگهداری خود مشغول به کار بودند (این فعالیت‌ها شامل بافندگی، باغبانی و نانوبی بودند). ده نفر دیگر در فعالیت‌های حرفه‌ای تحت نظارت موسسه نگهداری‌کننده اما جدا از محل سکونتشان فعالیت می‌کردند. تعداد ۲۷ نفر باقی مانده از این گروه نیز در زمینه فعالیت‌های حرفه‌ای مرتبط با اوقات فراغت و فعالیت‌های عمومی در مرکز نگهداری‌کننده خود مشغول بودند. اغلب این افراد بطور مشخصی به افراد خانواده خود وابسته بودند و حمایت‌های آنان و یا خدمات و نظارت گروه‌های دیگری غیر از اعضای خانواده خود را حفظ کرده بودند. تعداد بسیار اندکی از آنان به تنهایی زندگی می‌کردند و یا دارای دوستان نزدیک بودند. اغلب آنان دارای ارتباطی مخدوش و ناقص بودند و توانمندی‌های درسی مانند خواندن و یا نگارش بسیار ضعیفی داشتند. اغلب رفتارهای کلیشه‌ای یادگرفته در دوره کودکی خود و یا وسواس نسبت به یک شی و یا عملکرد را تا مرحله بزرگسالی حفظ کرده بودند. ده نفر از این افراد نیز دارای صرع و مشکلات مرتبط با آن بودند.

در کل، ۱۲ درصد از آنان در طبقه دارای «درآمد بسیار خوب» قرار داشتند، ۱۰ درصد در طبقه «خوب» و ۱۹ درصد در طبقه «مناسب» قرار داده شدند. اکثریت آنان (۴۶ درصد) در طبقه دارای درآمد «بد» و یا «بسیار بد» (۱۲ درصد) قرار گرفتند. افرادی که در آزمون‌های هوش دارای حداقل بهره هوشی ۷۰ بودند، نسبت به افرادی که دارای بهره هوشی پایین تری بودند، میزان درآمد بهتری داشتند. در هر حال، حتی در گروه دارای بهره هوشی طبیعی نیز درآمد افراد یکسان نبوده و تنوع بسیار

ناتوانی‌های مختلف قادر بوده‌اند که در بازار وسیع و باز اشتغال، فرصت‌های شغلی مناسبی بیابند. تعداد اندکی از افراد دارای اتیسم نیز با استفاده از این روش توانسته‌اند فرصت‌های شغلی مناسب خود را بدست آورند.^{۱۱}

میزان کارایی اشتغال حمایتی در گروه افراد دارای اختلالات طیف اتیسم

یافته‌های حاصل از برنامه اشتغال حمایتی برای بزرگسالان دارای اختلالات طیف اتیسم (در گروه دارای عملکردهای سطح بالا مانند اسپرگر) در شهر لندن در طی یک پروژه پژوهشی در طی یک برنامه دو ساله (ماهود^{۱۲} و هاوولین^{۱۳}، ۱۹۹۹) نشان داد که از بین سی نفر فرد دارای اتیسم با عملکردهای سطح بالا که به شیوه اشتغال حمایتی آموزش دیده بودند و ۲۰ نفر گروه کنترل با همان سطح از عملکرد، افراد استفاده کننده از این روش توانسته بودند که رضایت بیشتری را در کارفرمایان خود ایجاد کنند. ۱۳ نفر از کارفرمایان که اغلب از کمپانی‌های چند ملیتی بودند، با این طرح همکاری می‌کردند. این کمپانی‌ها مایل بودند که افراد بیشتری از گروه اتیسم دارای عملکردهای سطح بالا، به استخدام خود درآورند. اغلب آنان تجربه بسیار مثبتی از حضور کارگران دارای اتیسم در شرکت‌های خود داشتند. در طول دوره پژوهش، تعداد بیشتری از افراد دارای اتیسم که به شیوه حمایتی آموزش‌های حرفه‌ای را دریافت کرده بودند، توانستند که شغل‌های مناسبی بیابند. تفاوت در میان دو گروه از نظر آماری کاملاً معنی‌دار بود. افرادی که به شیوه حمایتی آموزش دیده بودند در سطوح بالاتری از نظر شغلی قرار گرفتند و از نظر زمانی نیز به میزان طولانی‌تری در استخدام باقی ماندند. میزان حقوق افراد آموزش دیده به شیوه حمایتی نیز بالاتر از گروه کنترل بود.

هرچند هزینه‌های مربوط به استخدام مربی حرفه‌ای برای گروه افراد استفاده کننده از اشتغال به شیوه حمایتی

۴. در نظر گرفتن حمایت‌های ضمن کار: افراد دارای اختلالات طیف اتیسم نیز باید برای سازگاری با محیط کار، آموزش بیشتری ببینند و از خدمات «مربی حرفه»^۵ پس از بکارگماری نیز بهره مند شوند.

شاید بتوان گفت که یکی از پیشنهادهای مهم برای ارایه آموزش‌های مناسب حرفه‌ای، استفاده از مدل اشتغال حمایتی^۶ برای افراد قرار گرفته در اختلالات طیف اتیسم باشد. در ادامه توضیحات بیشتری از این مدل ارایه می‌شود.

اشتغال حمایتی چیست؟

این شیوه برگرفته از مدل «آمادگی شغلی»^۷ است و بطور مستقیمی از آن ریشه گرفته است. در این روش فرد را با استفاده از برنامه‌های ویژه برای فعالیت‌های مختلف حرفه‌ای آماده می‌کنند. این مدل در زمینه حرفه‌آموزی برای افراد دارای ناتوانی‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی پذیرفته شده است و سودمندی آن مورد تایید قرار گرفته شده است. در این مدل فرصت‌های شغلی بر اساس استعداد و توانمندی‌های فردی در نظر گرفته و انتخاب می‌شوند. اشتغال حمایتی بر سه اصل مکان^۸، آموزش^۹ و نگهداری و حفظ^{۱۰} حرفه مبتنی است. پس از انتخاب شغل، مربی حرفه‌سازگاری‌های مورد نیاز فرد را در محیط حرفه‌ای ایجاد می‌کند تا آموزش به درستی و با دقت بیشتری بر نیازهای فرد منطبق شود. مربی حرفه حمایت‌های همکاران و نقش آنان در همکاری و ارتباط با فرد را نیز مشخص می‌کند. مربی حرفه کم کم نقش پررنگ خود را از دست می‌دهد و هرچند با فرد دارای اتیسم در ارتباط باقی خواهد ماند، اما نوع و شدت ارتباط تغییر کرده در زمانی که فرد در انجام وظایف مربوط به خود دچار اشتباه و یا مشکل می‌شود، مربی حرفه مجدداً وارد میدان می‌شود و کارفرما با وی در تماس خواهد بود.

بررسی‌های مختلف در دنیا نشان داده است که با استفاده از این مدل آموزش حرفه‌ای افراد دارای

دکتر تمپل گراندین^۴، استاد دانشگاه ایالتی کلورادو^{۱۵} اشاره کرد. وی که صاحب تالیفات فراوانی در زمینه اتیسم است، گام بزرگی در راستای شناساندن این گروه از افراد و بیان نیازمندی‌های آنان برداشته است. ایشان در یکی از تازه‌ترین مقالات خود در زمینه اشتغال افراد دارای اتیسم در هر دو گروه دارای عملکردهای سطح بالا و پایین، معتقد است که حرفه‌های که بر حافظه کوتاه‌مدت تاکید دارند، برای این افراد مناسب نیستند، زیرا اکثر افراد قرار گرفته در این طیف، در این بخش از حافظه (مانند سپردن چندین دستور به حافظه) دارای ناتوانی هستند. بنابراین فهرستی از شغل‌های نامناسب تهیه کرده‌اند که در میان آن فهرست، می‌توان به حرفه‌های زیر اشاره کرد:

- صندوق داری: به دلیل نیازمندی به سرعت عمل در دادن بقیه پول که فشار زیادی بر عملکرد حافظه کوتاه مدت فعال دارد.

- آشپزی در رستوران: به دلیل ناتوانی در نگهداری دستورات فراوانی که مشتریان در یک زمان مشخص ارایه می‌دهند.

- گارسونی در رستوران: به همان دلایل که برای آشپزی ذکر شد.

- پاسخگویی به تلفن: ناتوانایی در پاسخگویی در زمانی که صفحه کلید انتقال مکالمات به دلیلی چند تماس همزمان، شلوغ می‌شود.

دکتر گراندین در فهرست دیگری تعدادی حرفه برای افراد دارای اتیسم که از توانایی تفکر تصویری سطح بالا برخوردارند را پیشنهاد کرده است. لازم به تذکر است که این حرفه‌ها، اتکای بسیار اندکی بر حافظه کوتاه مدت دارند. از جمله این حرفه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- طراحی تبلیغات: در قالب یک هنرمند آزاد

- عکاسی و تهیه فیلم: مانند فعالیت‌های یک هنرمند بدون در نظر گرفتن سوژه و بطور آزاد

بالتر از گروه کنترل بود، اما در طول زمان و با توجه به سایر هزینه‌هایی که افراد در گروه کنترل برای سازگاری با حرفه داشتند، هزینه‌های گروه آزمایشی کمتر شد و از نظر اقتصادی نیز کاملاً به صرفه بود. یکی از گرانترین و پرهزینه‌ترین بخش‌های روش اشتغال حمایتی که در عین حال مهمترین عامل برای موفقیت افراد در نظر گرفته می‌شد، برقراری ارتباط با کارفرمایان به منظور آموزش و جایگزینی افراد در حرفه‌ها و هماهنگ‌سازی و انطباق بین محیط کار و توانایی‌های افراد دارای اتیسم بود. نیاز به وجود ارتباط نزدیک و مداوم بین مربیان آموزش حرفه و کارفرمایان از اصول انکار ناپذیر و مهم در روش اشتغال حمایتی به شمار می‌آید. پژوهشگران معتقدند که هر چند تعدادی از عناصر اصلی برنامه‌های آموزش حرفه می‌تواند با استفاده از بودجه‌های حمایتی در نظر گرفته شده از جانب دولت به کار خود ادامه دهند، اما در اغلب برنامه‌ریزی‌های حرفه‌ای بر این اصل مهم (ارتباط بین کارفرما و بخش آموزش) تاکید مناسب و شایسته‌ای انجام نشده است. شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که آموزش حرفه‌ای بدون ارتباط با محیط واقعی کار و نظر کارفرمایان نمی‌تواند نتیجه مناسبی از نظر افزایش سطح اشتغال برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم (و حتی افراد دارای سایر ناتوانی‌ها) داشته باشد.

انتخاب شغل برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم

صحبت در ارتباط با حرفه‌های مناسب و نامناسب برای افراد قرار گرفته در طیف اختلالات اتیسم کاری دشوار است، زیرا اطلاعات موجود و محدودیت پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با علائق و توانمندی‌های شغلی این دسته از افراد، منابعی کافی برای چنین نتیجه‌گیری را در اختیار قرار نمی‌دهند. یکی از راه‌های گفتگو در این ارتباط، استفاده از عقاید و تجارب افراد دارای اتیسم با عملکردهای سطح بالا است. از جمله این افراد می‌توان به

مختلفی مانند مراکز سرشماری و پژوهشی (در فعالیتهای مربوط به محاسبات و وارد کردن داده‌ها) کار کنند.

در فهرست دیگری، دکتر گراندین مجموعه‌ای از شغل‌ها را که افراد دارای عملکردهای سطح پایین می‌توانند انجام دهند، اینگونه پیشنهاد می‌کند:

- کار در مخزن کتاب، در کتابخانه‌ها: به دلیلی وسعت حافظه بلند مدت، گاه این افراد می‌توانند تمامی کدهای مربوط به کتاب‌ها را حفظ کرده و در مرتب کردن و چیدن مجدد آنها فعالیت کنند.

- انواع فعالیتهای مونتاژ در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها: به دلیل علاقمندی به انجام فعالیتهای تکراری این دسته از کارها مورد علاقه این افراد هستند.

- کار با دستگاه کپی: لازم به ذکر است که در انجام فعالیتهای چاپی، این دسته از افراد نیازمند نظارت دائم هستند و کار با دستگاه کپی به دلیلی سادگی و تکراری بودن برای آنان ساده‌تر و قابل انجام است.

- کارهای خدماتی: شامل تمیز کردن زمین، دستشویی‌ها، پنجره‌ها و منازل.

- پر کردن قفسه‌های فروشگاه‌ها: این فعالیت در حال حاضر در اغلب فروشگاه‌های بزرگ، توسط این افراد انجام می‌شود.

- حرفه‌های مربوط به جدا سازی: پاک کردن جویبوت، طبقه بندی کردن اشیاء و موارد مشابه

- باغبانی و نگهداری از گل‌ها و گیاهان

- وارد کردن داده‌ها در برنامه‌های مختلف رایانه ای

- کار کردن در رستوران: شامل تمیز کردن، پوست گرفتن و خرد کردن و آشپزی‌های تکراری (سرخ کردن سیب زمینی با دستگاه و آشپزی غذاهایی که تاکید زیادی بر حافظه کوتاه مدت ندارند)

نتیجه گیری

افراد دارای اختلالات طیف اتیسم نیز قادر هستند در

- طراحی تجهیزات: این طراحی در زمینه‌های مختلف می‌تواند کاربرد داشته باشد و از طراحی جعبه گرفته تا طراحی ابزارهای خاص را در بر می‌گیرد.

یکی از پیشنهادهای مهم برای ارایه

آموزش‌های مناسب حرفه‌ای، استفاده از

مدل اشتغال حمایتی برای افراد قرار گرفته

در اختلالات طیف اتیسم باشد.

- تربیت حیوانات و نگهداری از آنها: در قالب نگهداری و یا مراقبت‌های مشخص

- صنایع دستی مختلف: مانند حکاکی روی چوب، تهیه سرامیک و موارد مشابه با آن

- طراحی صفحات وب: بیشتر توانایی انجام فعالیتهای آزاد (مانند یک هنرمند آزاد) را دارند

- کار با رایانه: شامل برنامه نویسی، تعمیر و سرهم‌بندی قطعات و پویانمایی

در فهرست دیگری که ایشان برای افراد دارای اتیسم با عملکردهای سطح بالا، اما ضعیف در تفکر با استفاده از

تصویر، پیشنهاد کرده اند به موارد زیر برخورد می‌کنیم: - حسابداری: در زمینه‌های خاصی مانند محاسبه مالیات بر درآمد، این افراد توانایی ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند.

- علوم کتابداری: خصوصاً در ارتباط با استفاده از منابع و کمک به مردم در جستجوی اطلاعات در کتابخانه و در فضای مجازی با استفاده از اینترنت.

- رانندگی تاکسی: به دلیل حافظه طولانی مدت قوی تمامی مسیرها و خیابان‌ها را از حفظ می‌دانند.

- کوک کردن پیانو و سایر سازها

- پرداخت پول در بانک‌ها: به دلیل دقت بسیار بالا در شمارش (در صندوق‌های شلوغ که مراجعین فراوان دارد و بر حافظه کوتاه مدت، فشار زیادی وارد می‌شود، نباید از این افراد استفاده کرد).

- آمار و محاسبات عددی: می‌توانند در فعالیتهای

آموزش مدرسه‌ای بسیار محدود است و در اغلب کشورهای جهان این حمایت‌ها پس از اتمام دوره مدرسه به کلی قطع می‌شود. حمایت‌ها و آموزش پس از اتمام مدرسه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

افزایش دوره‌های بیکاری و فقدان اشتغال افراد دارای اتیسم (مخصوصاً در گروه دارای عملکردهای سطح بالا و اسپرگر) می‌تواند عاملی برای افزایش میزان افسردگی و مشکلات روانی بین افراد این گروه باشد. این عامل علاوه بر افسردگی می‌تواند در کم شدن میزان اعتماد بنفس این افراد نیز نقش مهمی داشته باشد.

حرفه‌های مشخصی فعالیت کرده و موفق باشند. گستره مشخصی از این حرفه‌ها با توجه به سطح عملکرد افراد دارای اتیسم پیشنهاد شده‌اند. این گروه از افراد نیازمند حمایت‌ها و آموزش‌های بیشتری برای اشتغال هستند. مدل اشتغال حمایتی همراه با امکان دستیابی به آموزش‌های بیشتر و نظارت در ضمن انجام کار، می‌تواند دو اصل قابل توجه برای افزایش میزان کارایی این افراد در اشتغال و نیز حفظ و نگهداری شغل کسب شده هستند.

خدمات و حمایت‌های مورد نیاز افراد دارای اختلالات طیف اتیسم و خانواده‌های آنان، پس از اتمام دوره‌های

زیر نویس‌ها :

1. Pervasive developmental disorder not otherwise specified (PDD-NOS)

۲. (ILO) سازمان جهانی کار

3. Disability management
4. Perry
5. job coach
6. supported employment
7. readiness model
8. place
9. train
10. maintain



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۱. نحوه استفاده از این مدل در آموزش حرفه‌ای در کشور ایرلند شمالی بطور مفصل در سامانه اینترنتی زیر قابل دستیابی است:

<http://www.niuse.org.uk/>

12. Mawhood
13. Howlin
14. Temple Grandin, Ph.D.
15. Colorado State University

منابع:

صمدی، سید علی و مک کانکی، روی. (۱۳۸۹) اختلالات قرار گرفته در طیف اتیسم. (زیر چاپ)

Barnard, J. Prior, A. and Potter, D. (2000) *Inclusion and Autism: Is it working?* London: National Autistic Society.

Grandin, Temple (1999) *Choosing the Right Job for People with Autism or Asperger's Syndrome*. Colorado State University Fort Collins, Colorado 80523, USA. Retrived in 09/11/2010 from:

http://www.autism.com/ind_choosing_job.asp

International Labour Organization (1983). *Vocational Rehabilitation and Employment (Disabled Persons) Convention* .

Retrived in 09/11/2010 from: <http://www.ilo.org/public/english/region/asro/bangkok/ability/index.htm>

Mawhood and Howlin (1999) The outcome of a supported employment scheme for high functioning adults with autism or Asperger Syndrome. *Autism*, 3, 229-254.

Perry D.A. (1998). *Vocational Rehabilitation and Employment: From Principles to Practice*. Technical Background Paper. International labour Office. East Asia Multidisciplinary Team.